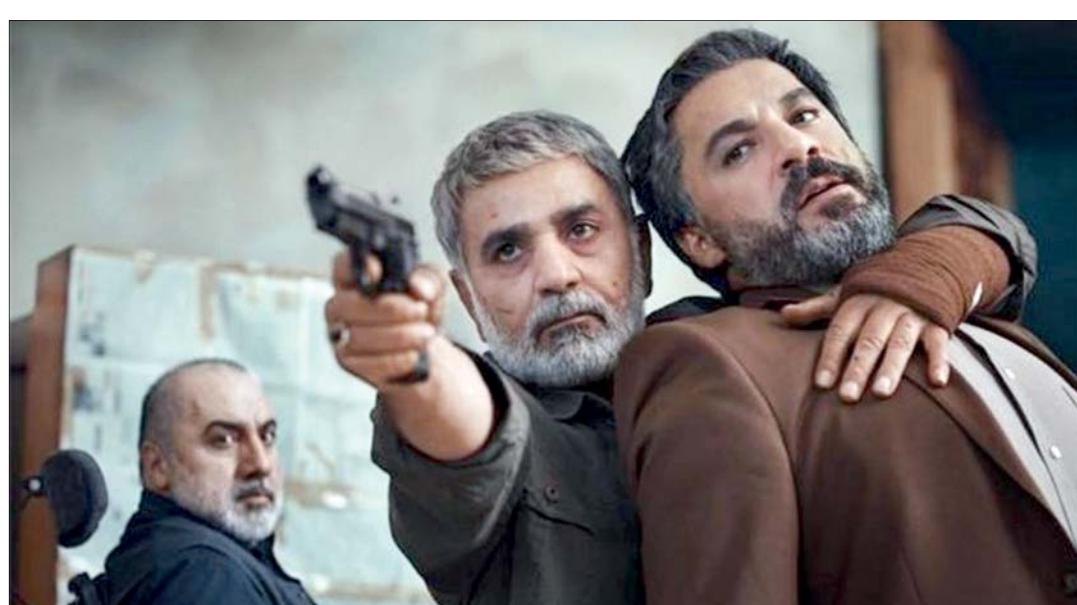




واعفوا عن الناس

"*It's a good place to go to school.*"



شروع کن آقای دکترا آن طرف هم باشند کسانی که مانند آن کارمند بروکارسی عتاب کنند که درید بالین وضعیت، شخصیت نظام را سپر می کنید و آن را حرم بزرگی بدانند. احتمالاً در پاسخ به همه آنها باید آنها راحواله داده باسخی که حیدر ذبیحی داد: «من اگر قرار است عزیزترین سرمایه ام، جانم را فدا کنم باید وجودم دلیلش را بداند... من با پوست و گوشتم می دانم نظام چیست و شخصیت کیست! کجا یش مقدس است و کجا یش نامقدس!» احیاناً اگر حرف های حاج حیدر برایشان سنتیگن است احتمالاً حرفی نمی ماند جز زنده هایی که مولا به کارگزارش در مصر می دهد از باب مزاعات حال رعیت که به فرموده حضرتش «تویی کارگزار حکومت یکی از این دوتن هستی: یا مردی هستی در اجرای حق گشاده دست و سخاوتمند، پس چرا باید روی از مردم پنهان داری و از ادای حق واجبی که بر عهده توست دریغ فرمایی و در کارنیکی، که باید به انجام رسانی، درنگ روا داری؟ یا مردی هستی که هیچ خواهشی را و نیازی از نرمی آوری، در این حال، مردم، دیگر از تو چیزی نخواهد و از یاری تو نومید شوند!» حال شاید در چنین روزهایی که شاید خبر حذف نزد های جایگاه های دست دوم و سوم یک آئین دیرپاکه از قضاد رای این چند وقت نمونه های دیگر هم داشته بازه هایی باشد از آنچه باید باشد ولی فعلانیست. بارقه هایی باشد که قرار است سطور داخل گیوه مه را بر ساند به عینیت بیرونی. عینیتی که در آن دیگر فقط کسانی شایسته حفاظت خواهند بود که «شخصیت نظام» باشند. شخصیت هایی که به تعبیر حیدر ذبیحی بالذات هیچ وقت اهل گرفتن خودشان و شیشه دودی و خط ویه و نرده نیستند و باید به جبر و زور هم که شده حفاظت شان کرد و گزنه به خودشان که باشد خیری ندیده اند از این حفاظت ها.

حافظتی در نماز جمعه تهران خبر داد. خبر خوبی بود. جامعه به همین خبرهای ساده هم امیدوار می شود. قرار نبود در جمهوری اسلامی طبقه جدید شکل بگیرد. دیروز شوخی جدی به همراهان حفاظتی ام می گفتم ما مسؤولان کشور را دوچیزه اعتبار کرده: فرزندان مان و شماها! «شهروندی زیر جمله وزیر جواب داده عملکردتان» راه اضافه کنید!

فهرست جملاتی که هزاران شهروند دیگر زیر پاسخ وزیر نوشته اند شاید شیرینی اینکه بالاخره کسی بین والیان کشور هم پیدا شده که چنین چیزی را فهمیده و آن را به زبان رانده، به تلخی مبدل می کند.

فارغ از ادبیات بعضی ها امام منطق شان پیز عجیبی نیست. قرار نبود «روی پوشیدن از مردم به درازابکشید» و نرده ها بادیگار دهای و شیشه دودی ها تا سه دهه میان حاکم و

ريعیت فاصله اندازند که اصلاً «روی پوشیدن والیان از مردم شان، گونه ای نامه رانی» بود. قرار نبود رضایت بخشی از خواص به رهای ناراضیای عامه مردم تمام شود که «ستون دین و حکومت اند و تکیه حکومت برآنان».

قرار نبود مساله امور زیشان دعوا بر سر شخصی بودن یا نبودن زندگی و تحصیل و مال و منالی باشد که والیزاده ها درینگه دنیا گرد آورده و بعد هم با کاخ ژانویه شان یادگاری می گیرند و این سو رعیت ها چند ماه، یک لنگه پا ماعطل حق الزحمه عرق جبینی باشند تا بلکه گوشه کوچکی از سفره کوچک شان را پر کند. قرار بود (والی از امور ملک آگاه باشد و ایضاً از شوربختی ها و رنج های مردم) «آن که منتقدان به شکاف عمیق چاه و پل گونه والی و رعیت متهم شوند به توطنگران فتوشاپی! قرار نبود اتهام کاپشن مشکی ها و پیگرد

قانونی شدن و مساله شود رذیله ای است و قدرتی که در آر پیدید آمد به عظیز از تو سوت و بر آهه اتوانایی نیز تو راستکین و فرومی کاهد و به تو باز می غیرالمغضوب باشد و عطومد حکومت و جامعه هم را کنار هد و به همه آنها که ولو صادقانه وزن تکان دهنده و

جلسه محاکمه حیدر ذبیحی، آدم را یاد سکانس‌های طلایی بگو مگوی دوده قبل حاج کاظم و سلحشور می‌اندازد. حیدر انگاری همان حاج کاظم است. بعد از ۴ سال اماگرد پیری روی چهره‌اش نشسته و پخته ترشید است. از حرکت‌های آوانگارد دوده قبل خبری نیست. انگاری که تکلیف‌ش را خیلی وقت است با خودش مشخص کرده. به تغییر خودش زمانه فرق کرده. حالا هم در جلسه محاکمه، نه با هیجان که با یقین ایستاده رو به روی کارمند بروکرات حاکمیت و حرفش را بدون لکنت می‌زند: «من با پوست و گوشتم می‌دونم نظام چیه و شخصیت کیه! اکجاش مقدسه و کجاش نامقدس!» بعد هم بر می‌گردد از اتاق خارج شود اما انگاره‌نوزیک جمله بیخ گلوییش مانده: «می‌ترسم از روی که این کشتی سوراخ شود!»

حیدر ذبیحی می‌رود و نامه تعليق‌ش هم پشت سرشن مهر و امضای شود. من اما می‌روم در شبکه‌های اجتماعی. حذف یکی دور دیدی نرده از جایگاه‌های دوم و سوم نماز جمعه شده سرخط اول خبرها! امیدیار از مدیران مملکت به طنه و کنایه نوشه شه چرا به جای رسیدیم که امروز بخواهیم از چنین اتفاق پیش پا افتاده‌ای خوشحال شویم. نرده‌هایی که روزگاری قرار بود جلوی سوراخ شدن کشتی را بگیرند امروز خودشان به چه سوراخ‌های بزرگی تبدیل شده‌اند. پارادوکس معنا! همانی که حیدر ذبیحی گفته بود: «زمانه فرق کرده» دیگر وزیر مملکت بالحنی کنایی که گویی هم از حذف نرده‌های بادیگار خوشحال است و هم دارد حسرت اتوپیا و روزگاری رامی خورد که قاعده‌های امروروز از نرده گرفته تا حفاظت. در روزگاری دیگر استثنای بوده‌اند می‌نویسد: «خطیب جدید جمعه از کاهش نرده‌های

گوهر همدل، احتماء، در نماز حمعه

روز گذشته، بسیاری از مردم شاهد تصاویر متفاوتی از مصلای تهران و نماز جمعه با حضور امام جمعه موقت جدید، حجت الاسلام و المسلمین حاج علی‌اکبری بودند. امام جمعه به دور از تشریفات و همراه با دیگر نمازگزاران وارد مصلی شده و به درخواست او، بخش عمدہ‌ای از نزد های میان مردم و مسؤولان برداشته شده است. پس از خطبه‌ای اول و دوم که در قالبی روان و آشنا با مخاطب صورت گرفت، نماز جمعه باطنین ترتیل سوره جمعه ادامه یافته و برای احترام به ائمه جمعه باسابقه‌ای که در نماز جمعه حاضر بودند، امامت نماز عصر را به آنها پیشنهاد می‌کند که با امتناع ایشان، نماز عصر را اقامه می‌کند و پس از نماز نیز برای شنیدن صحبت مردم به میان آنها می‌رود و تقریباً جزو آخرین نفراتی است که مصلی را ترک می‌کند... شاید این تصاویر برای بسیاری از مردم یادآور نمازهای جمعه اوایل انقلاب و نمونه‌هایی بر جسته به امامت رهبر معظم انقلاب اسلامی باشد که هر از چندی نیز در برخی شهرهای کشور به نحوی تکرار شده و هوای تازه‌ای را به نمازهای جمعه بخشیده است. از نماز جمعه تبریز تا شیراز خوش شهر... و... که حکایت از اهمیت و تأثیر فوق العاده عنصر همدمی میان سطوح مختلف مردم و ائمه جمعه دارد. ارتباط مستقیم ائمه جمعه با مردم، حضور عادی آنها میان مردم، تلاش برای شنیدن و رفع مشکلات و مسائل مردم، جنبه‌هایی از این همدمی را نشان می‌دهد که درنهایت، موجب تقویت سرمایه اجتماعی و صیانت از شخصیت نظام در مردم خواهد بود و هرگاه چنین اتفاقی صورت گرفته، مساجد و نمازهای جمعه مملو از حضور مردم و جوانان شده است.

موضوع مهم دیگر، توجه به مولفه عناصر فرهنگی، تربیتی و هدایتی در نماز جمعه است. اگر قرار بر این است که نماز جمعه، قلب فرهنگی و مرکز اصلی فرهنگی شهر باشد، تحلیل محتوا و جهت‌گیری خطبه‌های نماز جمعه نیز باید همین رویکرد را نشان دهد. توجه به عمق محتوایی و بهره‌گیری از مولفه‌های غنی معارف اسلامی در خطبه‌های اول نماز جمعه به خوبی می‌تواند نقش هدایتگری عمیق در موضوعات مختلف فرهنگی، سیاسی و اجتماعی داشته باشد و هرگاه خطبه‌های ائمه جمعه از چنین ویژگی برخوردار بوده، جذابیت و اثرگذاری آن در عموم مردم نیز برجسته شده است. توجه ویژه به عنصر هدایتگری فرهنگی که به مراتب از هدایتگری سیاسی بنیانی تر است، دل‌های پاک جوانان و جویندگان حقیقت را متأثر کرده و با نگاه مسأله محور، نیازها و گردهای ذهنی مخاطبان به خصوص نسل جوان را پاسخ می‌دهد و سبک‌زنگی مناسب و الگوهای اخلاقی موردنیاز برای جامعه امور را به آنها رائه می‌کند. حقیقت آن است که امروز روز ایام تقوی فردی و اجتماعی یکی از مهم‌ترین نیازهای جامعه ماست و مگرنه این است که تقوا، مهم‌ترین پیام نماز جمعه است؟ از همین رو می‌توان چنین ادعای کرد که امروز نیاز به نمازهای جمعه هدایتگر، مردمی و شیرین بیشتر از همیشه احساس می‌شود.^[۵]

